

بررسی موسیقی بیرونی و کناری غزلیات ابن حسام خوسفی

دکتر رحیم سلامت آذر^۱

چکیده

تدوین فرهنگ تاریخی عروض شعر فارسی به نحوی که بتوان زمان آغاز به کار رفتن یک وزن و سپس میزان کاربرد آن در ادوار بعدی و تعیین بسامد و ترسیم فراز و نشیب موجود در تداول اوزان عروضی را به دقت تمام تعیین کرد، امروزه خصوصاً با توجه به وجود چاپ‌های منقح از دواوین و منظومه‌های شعر فارسی، امری بسیار ضروری و مفید به نظر می‌رسد؛ خاصه از آن جهت که جای چنین فرهنگی - البته با ویژگی‌های مذکور فوق - در حوزه پژوهش‌ها و منابع موجود خالی است. بدیهی است اولین قدم در راه تدوین چنین فرهنگی، بررسی یک دیوان‌های شعر فارسی موجود و استخراج نتایج آن به عنوان مواد و عناصر اولیه و اساسی مورد نیاز است. این مقاله، پاسخی است به این نیاز ضروری که در آن غزلیات ابن حسام خوسفی را از جهت ردیف، قافیه و اوزان عروضی بررسی کرده‌ایم. روشی که برای این کار مدنظر است، روش توصیفی - تحلیلی است. ابن حسام در غزلیاتش، از ده بحر عروضی بهره جسته است که بحر مجتث در بین آن‌ها بسامد بالایی دارد. اکثر اشعار وی در قالب مُثَمَّن و دارای قافیه اسمی و صفت هستند. در غزل‌های وی حروف روی «ر» و «ا» بیشتر بکار رفته‌اند. بسامد استفاده از ردیف و اشعار مردف در غزلیات شاعر زیاد است. در موسیقی کناری، استفاده ابن حسام از کلمات خوش آهنگ و مصوّت بلند در قافیه باعث زیبایی و گوش‌نوازی اشعار وی شده است.

واژه‌های کلیدی: غزلیات، ابن حسام، قافیه، محور عروضی، ردیف.

۱. پژوهشگر و مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

موسیقی بدون تردید یکی از عوامل اصیل زیبایی شعر است که باعث موزون بودن و شیوایی و روانی کلام می‌شود و آن را در جایگاه بالاتری به نسبت نثر قرار می‌دهد. همچنین به شاعر کمک می‌کند تا بین عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شعر که همانا واژگان می‌باشد، ارتباط و پیوند ایجاد کند و به این وسیله مفاهیم شعری را زیباتر و ساده‌تر به مخاطب انتقال می‌دهد. موسیقی در شعر به چهار حیطة اصلی درونی، معنوی، کناری و بیرونی تقسیم می‌شود. موسیقی درونی شامل تکرار، انواع جناس‌ها و سجع‌ها و موسیقی معنوی شامل تضاد و طباق، ایهام و مراعات‌النظیر است. موسیقی کناری از عوامل مؤثر در نظام موسیقایی شعر همچون قافیه و ردیف به وجود می‌آید و موسیقی بیرونی، جانب عروضی وزن شعر است.

محمد بن حسام خوسفی از شاعران برجسته و شیعی مذهب در قرن نهم هجری به شمار می‌آید. اکثر نویسندگان و تذکره‌نویسان، ابن حسام را به داشتن صفات وارستگی، زهد و پارسایی، رضا و خرسندی، دوری از دربارها و صاحبان زر و زور توصیف کرده‌اند. شاعر در انواع قالب‌های شعری تبحر داشته و بخت‌آزمایی کرده است. ابن حسام نیز به مثابه دیگر شعرای قرن نهم که بیشتر به تقلید و استقبال از گویندگان دوره‌های گذشته روی آورده بودند از شاعرانی مانند رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، مسعود سعد، سنایی، انوری، خاقانی، نظامی و ... تأثیر پذیرفته است. خوسفی از جمله سرایندگانی است که به دانش‌های گوناگون زمان خود از جمله علوم نجومی، پزشکی، فقهی، کلامی، فلسفی و اسلامی آشنایی و تسلط داشته و در مضامین اشعار خود، اطلاعاتی از علوم و فنون مذکور به یادگار گذاشته است.

۱-۱. هدف و مسأله پژوهش

در این پژوهش غزل‌های محمد بن حسام خوسفی از منظر موسیقی بیرونی و کناری نگریسته شده است. مسأله تحقیق این است که تنوع و کیفیت اوزان غزلیات ابن حسام چگونه است و این شاعر در استفاده از موسیقی بیرونی و کناری برای غنای اشعار خود چه نوآوری‌ها و ویژگی‌های برجسته‌ای داشته است؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

در زمینه موسیقی شعر در اشعار شاعران کلاسیک و معاصر کارهای ارزنده‌ای صورت گرفته است تحقیقاتی چون فرهنگ اوزان شعر فارسی و نیز وزن و قافیه شعر فارسی از وحیدیان کامیار و کتاب موسیقی شعر از شفیعی کدکنی و مقالاتی چون بررسی موسیقی شعر دیوان عمیق بخاری از موسی کرمی و عبدالکریم زارهدشی، بررسی موسیقی بیرونی و کناری در غزلیات

ظهیر فاریابی از محمد فولادی و عبدالرضا زند، موسیقی بیرونی در شعر نادر نادرپور از حبیب الله عباسی و حامد ذاکری، موسیقی شعر در غزلیات شمس از محمد رضا شفیع کدکنی از این گونه‌اند، اما درباره موسیقی شعر در اشعار ابن حسام خوسفی تحقیقی انجام نشده است؛ و این تحقیق با دقت زیاد و آرایه آمار و نمودار و درصد فراوانی، سلیقه شاعر در بکار بردن اوزان مختلف، استفاده از ردیف، حرف روی، کلمات قافیه را نشان داده است تا با این کار گوشه‌ای از سبک شعری شاعر و ذوق و قریحه او در سرودن اشعار نمایان گردد.

۱-۳. ابن حسام و اشعارش

«محمد بن حسام الدین حسن بن شمس الدین محمد، متخلص به ابن حسام در سال ۷۸۲ یا ۷۸۳ هـ. ق در روستای خوسف در منطقه قُهستان (کُهستان) به دنیا آمد. خاندان او تا نه پشت اهل فضل و علم و ارشاد بوده‌اند» (خوسفی، ۱۳۶۶: یازده و دوازده) و «جدش، شمس الدین زاهد، به زهد و عبادت معروف بوده است» (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۳۷). از دوران کودکی و چگونگی تحصیلات شاعر اطلاع دقیقی در دست نیست. خود او گفته است که از تربیت پدر بهره داشته و احتمالاً از محضر سید محمد شیرازی نیز کسب فیض کرده است. او خود نیز اهل زهد و پارسایی بوده و بر خلاف سنت شاعران ثناگوی، از رفتن به دربارها پرهیز می‌کرده است (صفا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۱۶). ابن حسام بنا به گفته دولت‌شاه سمرقندی «... از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستی و صباح که به صحرا رفتی تا شام اشعار خود را بر دسته بیل نوشتی» (دولت‌شاه، ۱۳۸۲: ۴۳۸). ابن حسام به سال ۸۷۵ هـ. ق وفات یافته است (صفا، ۱۳۳۹، ج ۲: ۳۷۷). از جمله آثار عمده خوسفی می‌توان به «دیوان اشعار، خاوران‌نامه، رساله نثر اللالی (ترجمه منظوم پنجاه کلمه قصار امام علی (ع)) و دلایل النبوة و نسب‌نامه اشاره کرد» (سعادت، ۱۳۸۴، ج ۱: ذیل واژه «ابن حسام قُهستانی»).

مجموعه ابیات شاعر در دیوان اشعاری که به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک گردآوری شده است، ۱۰۸۴۴ بیت به شرح زیر است:

قصاید: ۱۱۱ قصیده در ۵۴۴۲ بیت، غزلیات: ۱۷۸ غزل در ۱۲۹۵ بیت، ترکیب بندها: ۶ مورد در ۶۶۰ بیت، ترجیع بندها: ۴ مورد در ۴۴۵ بیت، مسمطها: ۳ مورد در ۲۰۸ بیت، مثنویات: ۱۳ مورد در ۲۰۹۲ بیت، قطعه‌ها و لغزها: ۹۰ قطعه و ۱۵ لغز و معما در ۵۰۲ بیت، رباعیات: ۱۰۰ رباعی در ۲۰۰ بیت. نگاهی به دیوان اشعار ابن حسام نشان می‌دهد که او در انواع شعر طبع‌آزمایی کرده ولی مهارت و شهرت وی بیشتر در قصاید اوست.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. موسیقی کناری

منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است، ولی ظهور آن در سراسر شعر قابل مشاهده نیست. برعکس موسیقی بیرونی که تجلی آن در سراسر بیت یا مصراع یکسان است و به طور مساوی و در همه جا به طور یکسان حضور دارد. جلوه‌های موسیقی کناری بسیار زیاد است و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۷۱).

۲-۱-۱. تعاریف ردیف

ردیف قسمتی از موسیقی کناری شعر فارسی را تشکیل می‌دهد و از نوآوری‌های شاعران ایرانی است. «که با زبان فارسی پیوندی طبیعی دارد و از قدیم‌ترین روزگاران به صورت مشخص و برجسته در شعر فارسی وجود داشته است» (شفیعی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). با پیشرفت شعر فارسی بخصوص در قرون هفتم و هشتم هـ. حضور این مقوله ادبی در شعر پررنگ‌تر و محسوس‌تر می‌شود و هم‌زمان مورد توجه نویسندگان، پژوهشگران و منتقدین قرار می‌گیرد و هر کدام به جهاتی از تعریف شعری ردیف، نظر داشته‌اند. ردیف در لغت به معنی سواری است که پس سوار دیگر بر یک اسب می‌نشیند (پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۷۲). واعظ کاشفی در بدایع الفکار فی صنایع الاشعار ردیف را در صنعت شعر این‌گونه تعریف می‌کند: «ردیف آن است، که حرفی از حروف ضمیر و یا یک کلمه و یا بیش از آن بعد از قافیه آورده شود و این ردیف از آن گویند، که بعد از قافیه آید» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۵). در این صورت، رابطه مفهوم لغوی ردیف با تعریف اصطلاحی و علت نامگذاری آن مشخص می‌شود.

تعریفی که شمس قیس رازی از ردیف ارائه می‌کند مبین استقلال این واژه است. «ردیف، کلمه‌ای می‌باشد، مستقل و منفصل از قافیت که بعد از اتمام آن در لفظ آید بر وجهی که شعر در وزن و معنی بدان حاجت باشد، و به همان معنی در آخر ابیات مکرر شود» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۲۰۲). وطواط در حدائق السحر آورده است: «ردیف کلمه‌ای باشد یا بیشتر که بعد از روی آید در شعر پارسی، و این شعر را اهل صنعت مُردَف خوانند» (وطواط، ۱۳۶۲: ۷۹).

بنابر تعاریف فوق، دیگر حروف قافیه از قبیل خروج، مزید و نایره بعد از روی (آخرین حرف اصلی قافیه) تکرار می‌شوند، ردیف به‌شمار می‌روند.

پژوهشگران معاصر تعاریفی از ردیف ارائه نموده‌اند، که به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم. «کلمه یا کلماتی را که در آخر مصراع‌ها عیناً بعد از قافیه تکرار شوند، ردیف می‌نامند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

بر اساس پژوهش در غزلیات ابن حسام می‌توان گفت که از مجموع ۱۷۸ غزل او، ۵۳ غزل بدون ردیف و در ۱۲۵ غزل شاعر ردیف وجود دارد که به صورت یک و چند کلمه‌ای و از جنس فعل، ضمیر، حرف، صفت، مصدر و اسم می‌باشد. وی در بکارگیری ردیف‌های فعلی ابتکاری و غیر رایج مهارت دارد و در ردیف و قافیه بیشتر گرایش به کلمه‌ها و افعال ساده دارد و با استفاده بهینه و گاه اعجاب‌آور از این موسیقی کناری به اشعار خود آب و رنگی خاص می‌بخشد.

۲-۱-۱. اقسام ردیف در غزلیات ابن حسام خوسفی

الف) ردیف فعلی: از ۱۷۸ غزل ابن حسام، ۱۲۵ غزل مردّف است که ۸۷ مورد ردیف فعلی دارد و بسامد این نوع ردیف بیش از سایر انواع است؛ مانند: بشست، نیست، گرفت، است، اوست، گفت، کجاست؟، دیده ماست، می‌رسانمت، طلب می‌کنیم و نیست، داشت، دارد، بخشند، مکناد، می‌خندد، نشاید، بنشیند، نیافتند، کشیده‌اند، گرفته‌اند، می‌آید، برآید، نرود، باشد، بگذرد، زد و برد، بپرس و ...

«هر چه ردیف بزرگ‌تر باشد اتحاد شاعر با خواننده و شنونده محکم‌تر و دلپذیرتر صورت می‌گیرد» (متحدین، ۱۳۷۴: ۵۱۷) ابن حسام نیز با انتخاب ردیف‌های فعلی و در برخی موارد چند جزئی و ترکیبی که نسبت به سایر انواع ردیف طولانی‌تر هستند به این موضوع توجه داشته و باعث دلنشین‌تر شدن اشعارش گردیده است.

نمونه‌هایی از ردیف فعلی:

بس که یاد آن لب و دندان چون دُر می‌کنم دامن از اشک چو مروارید تر پُر می‌کنم

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۳۵۷)

شب عیش است و ساقی با شراب ناب می‌آید

ز عکس طلعت او شعله مهتاب می‌آید

(همان: ۳۳۰)

بر گردِ مه ز غالیه پرگار می‌کشی / بر طرف روز نقش شب تار می‌کشی

(همان: ۳۷۱)

ب) ردیف اسمی: بسیار اندک است و در ۸ غزل دیده می‌شود: آفتاب، دوست (۳ بار)، خط، اشک، دل و چشم.

سنبل تر دمید بر گل دوست / بوی گل می‌دمد ز سنبل دوست

(همان: ۳۱۳)

ای قامت بلند تو ما را بلای دل / چون من که دیده‌ای که بود مبتلای دل

(همان: ۳۵۰)

ج) ضمیر: ۱۵ مورد از ردیف‌ها به صورت ضمیر «ما»، «خویش»، «من»، «او»، «تو» و ترکیبی از ضمیر و حرف «مرا»، «تو ما را»، ترکیبی از ضمیر و صفت «تو وارث» و ترکیب فعل و ضمیر «اوست» می‌باشد.

ای سهی قامت گلبوی صنوبر بر ما / سایه سرو قددت دور مباد از سر ما

(همان: ۳۰۶)

زه‌اد و عجب و گوشه محراب و کار خویش / ما و نیاز قبله ابروی یار خویش

(همان: ۳۴۳)

چه افتادت ای ترک خرگاه من / که بر من نمی‌تابی ای ماه من

(همان: ۳۶۰)

دل را حضور نیست دمی بی حضور او / خرم دلی که شاد بود با سرور او

(همان: ۳۶۴)

د) حرف: ۵ مورد از غزلیات مردف به صورت حرف «را» و ترکیبی «مرا» و «تو ما را»، «به اشک» آمده است. موی تو خون کند جگر مشک ناب را / روی تو چشم خیره کند آفتاب را

(همان: ۳۰۹)

هـ) صفت: ۶ مورد از غزلیات مردف به صورت صفت «دگر»، «خجل»، «سیاه»، «سرخ» یا ترکیبی «تو وارث» آمده است.

ای اهل درد را ز تو هر دم غمی دگر

نیش غم تو بر دل ما مرهمی دگر

(همان: ۳۳۷)

دل‌م به چشم تو آمد به دودمان سیاه حذر نکرد همانا ز خان و مان سیاه

(همان: ۳۶۷)

هـ) قید: ۳ مورد از غزلیات مردف به صورت قید «بس»، «امشب» و «خوش» آمده است.
ای جمال تو مرا شمع شب‌افروز امشب شمع گو مشعله‌داری ز تو آموز امشب

(همان: ۳۱۱)

هـ) مصدر: ۱ مورد از غزلیات مردف به صورت مصدر «دیدن» آمده است.
رخسار تو بوی نقاب دیدن یک شب نتوان به خواب دیدن

(همان: ۳۶۱)

۲-۱-۱-۲. انواع ردیف از نظر ترکیب

ردیف یک جزئی: ردیف‌های یک جزئی در غزلیات ابن حسام بسامد بالایی دارد تا جایی که از ۱۲۵ غزل مردف، در ۹۴ غزل ردیف یک جزئی بکار رفته است.

مرا دردِ تو دایم هم‌نشین است غمت پیوسته با جانم قرین است

(همان: ۳۱۴)

مرا زمانه ز خاک درت جدا مکناد رقیب را به سر کویت آشنا مکناد

(همان: ۳۲۶)

ایا ز تاب جمال تو آفتاب خجل ز عطر سنبل زلف تو مشک ناب خجل

(همان: ۳۵۱)

بلبل از شاخ گل زند هو هو

نغمه کبک و بانگ تیهو هو

ردیف دو جزئی: ۲۵ مورد.

دلبری دارم که دل در بند زلف و خال اوست

عاشقانش را شراب از جام مالمال اوست

(همان: ۳۱۵)

بر در میکده در چنگ و رباب است امروز

شیخ را صومعه در رهن شراب است امروز

(همان: ۳۴۰)

رُسته شمشاد قدت در چشمه سار چشم من

ای خیال عارضت گلشن نگار چشم من

(همان: ۳۶۲)

ردیف سه جزئی: ۵ مورد.

چشمش آرام دل من به نگاهی زد و برد

قول مطرب دل من دوش به راهی زد و برد

(همان: ۳۳۴)

حیات جان ز لب یار ما مشاهده کن

بیا و معنی اسرار ما مشاهده کن

(همان: ۳۶۲)

قد چو سرو تو بر جویبار دیده ماست

غبار راه تو بر رهگذار دیده ماست

(همان: ۳۱۸)

وز بی وفا کنار طلب می کنیم و نیست

ردیف چند جزئی: ۱ مورد.

رسم وفا ز یار طلب می کنیم و نیست

(همان: ۳۲۱)

ابن حسام خوشفی در غزلیات خود از «ردیف» به خوبی استفاده کرده و بیش از ۷۰ درصد غزلیات دیوانش مردف هستند و این امر نشان دهنده توجه وی به استفاده از ردیف در غزلیات می‌باشد؛ هرچند که بیشتر ردیف‌های استفاده شده ابن حسام کلمات ساده هستند و ردیف با «فعل» در غزل‌های وی از بسامد بالایی برخوردار است.

۲-۱-۲. بررسی انواع قافیه در غزلیات ابن حسام

موسیقی کناری به ترتیب در قافیه و ردیف جلوه‌گر می‌شود. قافیه در شعر فارسی از جایگاه خاصی برخوردار است. «قافیه نوعی زمینه‌سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است. تکرار الفاظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری باهم متفاوتند، ولی از نظر لحن و آهنگ هم‌نوا هستند، لذتی به آدمی می‌بخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ای دریافت می‌کنیم» (ملاح، ۱۳۸۵: ۸۳). «قافیه از جمله عناصر مهم و کلیدی شعر در زبان فارسی است. علاوه بر داشتن اهمیت و کارکردهای مختلف در زیبایی شعر، سازمان فکری، موسیقایی و زبانی شعر را سامان می‌دهد. اما از همه مهم‌تر قافیه معنی دارد و از این لحاظ در خصوصیت کلی شعر عمیقاً دخیل است. قافیه لغات را گرد هم می‌آورد و با یکدیگر پیوند، یا تضاد با یکدیگر قرار می‌دهد». (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۷۸-۱۷۷)

۲-۱-۱. قافیه اسمی: در غزلیات ابن حسام، قافیه‌های اسمی و صفت بسامد بیشتری نسبت به انواع دیگر قافیه دارد. از ۱۷۸ قصیده؛ قافیه ۹۴ غزل، اسمی یا ترکیبی از اسم با سایر اقسام کلمه است. قافیه‌های اسمی غزلیات شاعر از جمله موارد زیر است:

بر، سر (غزل ۲ / ص ۳۰۶)، کوی، ابروی (غ ۵ / ۳۰۷؛ غ ۹ / ۳۰۸)، حبیب، عندلیب (غ ۱۳ / ۳۱۰)، گل، سنبل (غ ۲۲ / ۳۱۳؛ غ ۶۱ / ۳۲۸)، سینه، آئینه (غ ۳۰ / ۳۱۷)، دعا، صبا (غ ۳۸ / ۳۲۰)، ماهتاب، آب (غ ۴۲ / ۳۲۱)، روی، موی (غ ۴۵ / ۳۲۲)، عذار، کوهسار (غ ۴۹ / ۳۲۴)، شراب، رباب (غ ۹۲ / ۳۴۰)، چمن، سمن (غ ۹۵ / ۳۴۱)، سندروس، کوس (غ ۹۶ / ۳۴۲)، خواب، نقاب (غ ۱۰۵ / ۳۴۵)، دعا، دوا (غ ۱۲۶ / ۳۵۳)، روی، کوی (غ ۱۳۳ / ۳۵۵)، جادو، ابرو (غ ۱۳۶ / ۳۵۶)، گناه، اله (غ ۱۴۲ / ۳۵۸)، کلاله، لاله (غ ۱۴۹ / ۳۶۲)، پای، سرای (غ ۱۵۳ / ۳۶۳)، آهو، گیسو (غ ۱۵۶ / ۳۶۴)، ماه، گناه (غ ۱۶۱ / ۳۶۶) و ...

گرچه بس منفعل از شرم گناه آمده‌ایم تکیه بر مرحمت لطف اله آمده‌ایم

شرر آتش هجران تو در سینه ماست

پرتو عکس خیال تو در آینه ماست

خرم‌تر از رخت به چمن گل نیافتند

خوشبوی‌تر ز موی تو سنبل نیافتند

(همان: ۳۲۸)

۱-۲-۲. قافیه فعلی: قافیه ۱۰ غزل از غزلیات ابن حسام فعلی یا ترکیبی از فعل و اسم و صفت است؛ مثلاً: بشکفت، برفت (غ ۲۷ / ص ۳۱۶)، عنبربیز، برخیز (غ ۸۷ / ۳۳۸)، برآر، نگار (غ ۱۰۸ / ۳۴۶)، شویم، بجویم (غ ۱۱۸ / ۳۵۰)، می‌تابم، در تابم (غ ۱۳۲ / ص ۳۵۵)، چشیده‌ایم، شنیده‌ایم (غ ۱۳۵ / ۳۵۶)، شکرستانیم، دستانیم (غ ۱۴۰ / ۳۵۸)، بشنو، سبک‌رو (غ ۱۵۴ / ۳۶۳) و ...

بیا که بوی ریاحین دمید و گل بشکفت

صبا به زلف معنبر بساط سبزه برفت

(همان: ۳۱۶)

رخ زرد از آن روی شویم به اشک

که تا آبرویی بجویم به اشک

(همان: ۳۵۰)

روز الست جرعه عشقت چشیده‌ایم

قالوا بلی به گوش ارادت شنیده‌ایم

(همان: ۳۵۶)

۱-۲-۳. قافیه صفت: ۶۸ مورد از قافیه غزلیات ابن حسام به صورت صفت یا ترکیبی از صفت با سایر اقسام کلمه بکار رفته است. از جمله: شب‌افروز، آموز (غزل ۱۶ / ص ۳۱۱)، عربی، بوالعجبی (غ ۲۳ / ۳۱۳)، هم‌نشین، قرین (غ ۲۴ / ۳۱۴)، پریشان، نتوان (غ ۲۸ / ۳۱۶)، دیده، سرکشیده (غ ۳۳ / ۳۱۸)، آشنایی، روشنایی (غ ۳۷ / ۳۱۹)، مشکبار، عذار (غ ۳۹ / ۳۲۰)، دلبری، بری (غ ۵۳ / ۳۲۵)، جدا، آشنا (غ ۵۴ / ۳۲۶)، خراب آباد، آباد (غ ۵۵ / ۳۲۶)، بالا، رعنا (غ ۶۲ / ۳۲۸)، مشکین، نسرين (غ ۷۲ / ۳۳۲)، قلندروار، خمار (غ ۷۶ / ۳۳۴)، غمخواره‌تر، بیچاره‌تر (غ ۸۶ / ۳۳۸)، نهان، روان (غ ۹۰ / ۳۴۰)، گل‌عذار، نوبهار (غ ۹۷ / ۳۴۲)، کماهی، الهی (غ ۱۲۷ / ۳۵۳)، سیاه، گمراه (غ ۱۶۳ / ۳۶۷)، درد، زرد (غ ۱۶۹ / ۳۶۹) و ...

- لبت یاقوتِ گوهرپوش دارد به گاه بوسه طعمِ نوش دارد
(همان: ۳۲۴)
آتش مهر تو در سینه نهان است هنوز خون دل از گذر دیده روان است هنوز
(همان: ۳۴۰)
دهانش آرزوی تنگدستان عذارش قبله آتش پرستان
(همان: ۳۶۳)
شب است و خال تو اندر خیال چشم سیاه کمند زلف تو دام است و بخت من گمراه
(همان: ۳۶۷)
۱-۲-۴. قافیه ضمیر: ۴ مورد که همه آنها به صورت ترکیب با سایر اقسام کلمه بکار
رفته است: او، فرو (غ ۲۰، ص ۳۱۲)، او، نکو (غ ۲۱، ۳۱۳)، پیش، خویش (غ ۱۰۳ / ۳۴۴)،
پرشکن، من (غ ۱۴۸ / ۳۶۱).
- دلا چو شیوه رندی نمی رود از پیش بجوی گنج سلامت ز کنج خانه خویش
(همان: ۳۴۴)
طراز طره مشکینِ پرشکن بشکن دل شکسته مجروح صد چو من بشکن
(همان: ۳۶۱)
۱-۲-۵. قافیه مصدر: ۱ مورد که عبارت است از غزل ۵۷: «واگفتن، خفتن»
غمی دارم که واگفتن نشاید مرا زان غم به شب خفتن نشاید
(همان: ۳۲۷)
۱-۲-۶. قافیه قیدی: ۱ مورد که عبارت است از غزل ۱۶۷: «روی بروی، موی بموی»
شبی به پیش تو خواهم نشست روی بروی تطاول سر زلفت بگفت موی بموی
(همان: ۳۶۸)

۲-۱-۳. حروف روی در غزلیات ابن حسام عبارتند از:

- ۱- حرف روی (ا): ۲۱ مورد؛ غزل ۸، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۷۱، ۱۰۲، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۲ و ۱۷۳.
- ۲- حرف روی (ب): ۱۲ مورد؛ غزل ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۴۲، ۶۵، ۹۲، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۶۲ و ۱۷۶.
- ۳- حرف روی (ت): ۸ مورد؛ غزل ۲۷، ۳۲، ۳۶، ۵۷، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۵۸ و ۱۵۹.
- ۴- حرف روی (ج): ۱ مورد؛ غزل ۴۷.
- ۵- حرف روی (ح): ۱ مورد؛ غزل ۴۸.
- ۶- حرف روی (د): ۶ مورد؛ غزل ۴۴، ۵۵، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۵ و ۱۶۹.
- ۷- حرف روی (ذ): ۱ مورد؛ غزل ۸۲.
- ۸- حرف روی (ر): ۲۹ مورد؛ غزل ۲، ۲۵، ۳۱، ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۶، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۸، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۷۰ و ۱۷۴.
- ۹- حرف روی (ز): ۶ مورد؛ غزل ۱۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۱۴۱ و ۱۴۶.
- ۱۰- حرف روی (س): ۴ مورد؛ غزل ۷، ۱۵، ۹۳ و ۹۶.
- ۱۱- حرف روی (ش): ۴ مورد؛ غزل ۵۰، ۱۰۰، ۱۰۳ و ۱۰۴.
- ۱۲- حرف روی (ص): ۱ مورد؛ غزل ۱۰۶.
- ۱۳- حرف روی (ض): ۱ مورد؛ غزل ۱۰۷.
- ۱۴- حرف روی (ظ): ۱ مورد؛ غزل ۱۰۹.
- ۱۵- حرف روی (ع): ۱ مورد؛ غزل ۱۱۰.
- ۱۶- حرف روی (غ): ۱ مورد؛ غزل ۱۱۱.
- ۱۷- حرف روی (ف): ۱ مورد؛ غزل ۱۱۲.
- ۱۸- حرف روی (ق): ۳ مورد؛ غزل ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۵.
- ۱۹- حرف روی (ک): ۳ مورد؛ غزل ۱۰، ۱۹ و ۱۱۶.
- ۲۰- حرف روی (گ): ۱ مورد؛ غزل ۱۱۷.
- ۲۱- حرف روی (ل): ۸ مورد؛ غزل ۱، ۲۲، ۲۶، ۶۰، ۶۱، ۱۲۰، ۱۳۰ و ۱۷۸.
- ۲۲- حرف روی (م): ۴ مورد؛ غزل ۱۸، ۸۵، ۱۲۲ و ۱۵۷.

- ۲۳- حرف روی (ن): ۱۷ مورد؛ غزل ۲۴، ۲۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۹، ۸۰، ۹۰، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۶۵ و ۱۷۱.
- ۲۴- حرف روی (و): ۱۴ مورد؛ غزل ۵، ۹، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۴۵، ۶۴، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰ و ۱۶۷.
- ۲۵- حرف روی (ه): ۲۰ مورد؛ غزل ۴، ۱۲، ۱۷، ۳۰، ۳۳، ۴۳، ۶۶، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۷۵.
- ۲۶- حرف روی (ی): ۹ مورد؛ غزل ۳، ۶، ۲۳، ۵۳، ۵۸، ۵۹، ۱۲۳، ۱۲۷ و ۱۷۷.
- با نگاهی به حروف مورد استفاده در اشعار ابن حسام می‌توان دریافت که شاعر از ظرفیت حروف فارسی استفاده خوبی کرده‌است.

جدول بسامد حرف روی در غزلیات ابن حسام

روى	ا	ب	ت	ج	ح	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
بسامد	۲۱	۱۲	۸	۱	۱	۶	۱	۲۹	۶	۴	۴	۱	۱
روى	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ل	م	ن	و	ه	ی
بسامد	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۱	۸	۴	۱۷	۱۴	۲۰	۹

از مجموع ۱۷۸ غزل ابن حسام، ۳۸ غزل دارای حرف وصل است که عبارتند از:

- ۱- حرف وصل (ا): ۱ مورد (غزل ۱۵۰).
- ۲- حرف وصل (ت): ۱ مورد (غزل: ۸۶).
- ۳- حرف (ش): ۱ مورد (غزل: ۱۷۱).
- ۴- حرف وصل (م): ۵ مورد (غزل: ۴۶، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴ و ۱۳۹).
- ۵- حرف وصل (ن): ۱ مورد (غزل: ۵۷).
- ۶- حرف وصل (ه): ۲ مورد (غزل: ۱، ۱۳۵).
- ۷- حرف وصل (ی): ۲۷ مورد (غزل ۵، ۸، ۹، ۲۵، ۲۹، ۳۷، ۴۰، ۴۵، ۷۷، ۸۵، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳ و ۱۷۵).

وصل	ا	ت	ش	م	ن	ه	ی
بسامد	۱	۱	۱	۵	۱	۲	۲۷

۲-۲. موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی «همان چیزی است که وزن عروضی خوانده می‌شود و لذت بردن از آن امری غریزی است یا نزدیک به غریزی؛ بنابراین، محور عروضی یک شاعر به لحاظ حرکت و سکون و تنوع آن‌ها و به لحاظ هماهنگی با زمینه‌های درونی و عاطفی شعر قابل بررسی است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۹۵). به جرأت می‌توان اذعان کرد که مشخص‌ترین جنبه موسیقی شعر، عروض یا همان موسیقی بیرونی است. «زبان‌ها بر اساس عنصری که مبنای وزن هر زبان است باهم تفاوت پیدا می‌کنند» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۹۲). در شعر نیز می‌توان به چنین دیدگاهی قائل بود به این معنی که اشعار براساس محتوایی که هر کدام وزن متناسبی را می‌طلبند، از هم متفاوت می‌شوند. به عنوان مثال از عوامل عمده انتقال محتوای حماسی شاهنامه، استفاده فردوسی از بحر متقارب است.

۲-۲-۱. اوزان عروضی غزلیات ابن حسام

ابن حسام در غزلیات خود دقیقاً از ده محور عروضی سود جسته است که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- بحر مجتث: ۵۶ غزل؛ ۲- بحر مضارع: ۳۸ غزل؛ ۳- بحر هزج: ۳۶ غزل؛ ۴- بحر رمل: ۲۹ غزل؛ ۵- بحر خفیف: ۸ غزل؛ ۶- بحر منسرح: ۴ غزل؛ ۷- بحر سریع: ۲ غزل؛ ۸- بحر متقارب: ۲ غزل؛ ۹- بحر کامل: ۲ غزل؛ ۱۰- بحر رجز: ۱ غزل.

بسامد و بکارگیری محور و اوزان شعری غزلیات ابن حسام به شرح ذیل است:

۱- بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

در این وزن ۵ غزل سروده شده است که شماره غزل‌ها عبارتند از: غزل ۱/ ص ۳۰۵، ۳۳۰/۶۵، ۳۳۴/۷۶، ۳۳۵/۷۸، ۳۴۵/۱۰۴.

به امیدی که بگشاید ز لعل یار مشکل‌ها

خیال آن لب میگون چه خون افکند در دل‌ها

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۳۰۵)

اگر ساقی به بزم ما قلندروار بنشیند

بسا صوفی که اندر حلقهٔ خمار بنشیند

(همان: ۳۳۴)

۲- بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

غزل‌های شماره غزل ۱۳/ص ۳۱۰، ۳۱۴/۲۴، ۳۱۹/۳۶، ۳۲۲/۴۵، ۳۲۴/۵۰، ۳۲۷/۵۷، ۳۳۷/۸۴، ۳۴۱/۹۵، ۳۴۸/۱۱۴، ۳۵۰/۱۱۸، ۳۵۷/۱۳۸، ۳۵۷/۱۳۹، ۳۶۲/۱۵۰، ۳۶۳/۱۵۴، ۳۶۹/۱۷۱ در این وزن سروده شده‌است (۱۵ غزل):

سَمِیمُ الْوَرْدِ یَذْکُرُنِی حَبِیبِ
وَ یُحِیْنِی بِصَوْتِ الْعَنْدَلِیبِ

(همان: ۳۱۰)

غمی دارم که واگفتن نشاید
مرا زان غم به شب خفتن نشاید

(همان: ۳۲۷)

به رویت گر نظر کردیم، کردیم
به کویت گر گذر کردیم، کردیم

(همان: ۳۵۷)

۳- بحر هزج مثنیٰ اُخرَب (مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن)

در این وزن ۱ غزل سروده شده است (غزل ۱۷۶):

آن زلف مشوّش‌وش اندر خم و تاب اولی
وان نرگس خوش منظر مخمور و خراب اولی

(همان: ۳۷۱)

۴- بحر هزج مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

در این وزن ۱۳ غزل سروده شده است (غزل‌های ۵/ص ۳۰۷، ۸/۹، ۳۰۸/۹، ۳۲۲/۴۴، ۳۲۳/۴۷، ۳۲۷/۵۸، ۳۲۷/۵۹، ۳۴۷/۱۱۰، ۳۴۹/۱۱۵، ۳۵۶/۱۳۶، ۳۶۷/۱۶۶، ۳۷۰/۱۷۲، ۳۷۱/۱۷۵، ۳۷۲/۱۷۷):

ای کعبهٔ جان خاک سر کوی تو ما را محراب دل اندر خم ابروی تو ما را

(همان: ۳۰۷)

تا شمع جمال تو برافروخت به مجمع بنشست شعاع نظر شمع مشعشع

(همان: ۳۴۷)

ای روی تو آیینۀ انوار تجلی بنمای که یابد دل عشاق تسلی

(همان: ۳۷۲)

۵- بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف (مفعولُ مفاعِلن فَعولن)

در این وزن ۲ غزل سروده شده است (غزل ۱۹/ص ۳۱۲ و ۳۶۱/۱۴۷):

حقا که به حُسن تو مَلک نیست گفتم به یقین و هیچ شک نیست

(همان: ۳۱۲)

۶- بحر مضارع مَثَمَن اُخرب (مفعولُ فاعِلاتُن مفعولُ فاعِلاتُن)

در این وزن ۲ غزل سروده شده است (غزل‌های ۳۷، ۱۲۲)

ما را به کوی وحدت تا با تو آشناییست از خاک آستانت در دیده روشناییست

(همان: ۳۱۹)

۷- بحر مضارع مَثَمَن اُخرب مکفوف محذوف (مفعولُ فاعِلاتُ مفاعیلُ فاعِلن)

۳۶ غزل: ۸/ص ۳۰۸، ۳۰۸/۱۰، ۳۰۹/۱۱، ۳۱۱/۱۵، ۳۱۱/۱۸، ۳۱۲/۲۰، ۳۱۷/۳۱، ۳۲۰/۳۸،

۳۲۰/۳۹، ۳۲۱/۴۱، ۳۲۲/۴۳، ۳۲۴/۴۹، ۳۲۸/۶۰، ۳۲۸/۶۱، ۳۲۸/۶۲، ۳۲۹/۶۴، ۳۳۰/۶۶،

۳۳۱/۶۹، ۳۳۲/۷۲، ۳۳۳/۷۵، ۳۳۵/۷۹، ۳۳۷/۸۵، ۳۴۲/۹۶، ۳۴۲/۹۷، ۳۴۳/۹۹، ۳۴۳/۱۰۰،

۳۴۴/۱۰۵، ۳۴۶/۱۰۶، ۳۴۶/۱۰۸، ۳۵۰/۱۱۹، ۳۵۶/۱۳۵، ۳۶۰/۱۴۶، ۳۶۳/۱۵۳، ۳۶۴/۱۵۵،

۳۶۴/۱۵۷، ۳۷۱/۱۷۴

ای غافل از بلای دل مبتلای ما جز مبتلا کسی نرسد در بلای ما

(همان: ۳۰۸)

آن را که مهر روی تو در دل نیافتند او را به هیچ واسطه مقبل نیافتند

(همان: ۳۲۸)

ای کرده همچو نرگس خوشخواب خواب خوش بر گل کشیده از خط مشکین نقاب خوش

(همان: ۳۴۵)

آن سرو ناز کو که ببوسیم پای او روشن کنیم دیده به خاک سرای او

(همان: ۳۶۳)

۸- بحر رمل مَثْمَن محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

در این وزن ۱۲ غزل سروده شده است (غزل‌های ۲۶/ص ۳۱۵، ۲۹/۳۱۶، ۴۰/۳۲۰، ۷۱/۳۳۲، ۸۰/۳۳۵، ۸۶/۳۳۸، ۱۳۰/۳۵۴، ۱۳۱/۳۵۴، ۱۳۷/۳۵۷، ۱۴۳/۳۵۹، ۱۴۴/۳۵۹، ۱۵۲/۳۶۲):

ای خوشا آن دم که بنشینیم رویاروی دوست شکوه دل باز رانم یک به یک با موی دوست

(همان: ۳۱۶)

هر شب از طوفان چشم آب از سر ما بگذرد مردم چشم ندانم چون ز دریا بگذرد

(همان: ۳۳۲)

دوش با زلفت بهم شوریده حالی داشتم در سر از سودای ابرویت خیالی داشتم

(همان: ۳۵۴)

۹- بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

در این وزن ۱ غزل به شماره ۲۵ سروده شده است:

ای خوش آن بلبل که گلزاریش هست خرّما آن دل که دلداریش هست

(همان: ۳۱۴)

۱۰- بحر رمل مَثْمَن مخبون محذوف (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن):

در این وزن ۱۶ غزل (به شماره غزل ۲/ص ۳۰۶، ۳۱۱/۱۶، ۳۱۷/۳۰، ۳۳۴/۷۷، ۳۳۹/۸۹، ۳۴۰/۹۰، ۳۴۱/۹۲، ۳۵۲/۱۲۴، ۳۵۳/۱۲۶، ۳۵۳/۱۲۷، ۳۵۳/۱۲۸، ۳۵۵/۱۳۲، ۳۵۵/۱۳۴، ۳۵۸/۱۴۱، ۳۵۸/۱۴۲، ۳۶۷/۱۶۴) سروده شده است:

می بیارید که ایام بهارست امروز / نرگس از ساغر زر جرعه گسارست امروز

(همان: ۳۳۹)

ما به گلزار عذارت همه در بستانیم / از خیال می لعلت همه سرمستانیم

(همان: ۳۵۲)

نظری از سوی ما کن صنما گاه به گاه / کان دو رخساره ببینیم مگر ماه به ماه

(همان: ۳۶۷)

۱۱- بحر خفیف مسدس مخبون (فعالتن مفاعلتن فعلن)

در این وزن ۸ غزل (به شماره ۲۱/ص ۳۱۳، ۳۱۳/۲۲، ۳۲۴/۴۸، ۳۲۷/۵۶، ۳۴۱/۹۴، ۳۵۸/۱۴۰، ۳۶۵/۱۵۸، ۳۶۶/۱۶۰) سروده شده است:

هر جفایی که ممکن است ازوست / من تحمل کنم ولی نه نکوست

(همان: ۳۱۳)

گل به فصل بهار می خندد / سبزه بر مرغزار می خندد

(همان: ۳۲۷)

۱۲- بحر سریع مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلتن)

در این وزن ۲ غزل به شماره ۱۴/ص ۳۱۰ و غزل ۱۱۱/۳۴۷ سروده شده است:

ای ز خطت غالیه پُر مشکِ ناب / آینه دار رخ تو آفتاب

(همان: ۳۱۰)

بی تو حرامست تماشای باغ / با تو مرا از همه عالم فراغ

(همان: ۳۴۷)

۱۳- بحر رجز مثنی مطوی مخبون (مفتعلن مفاعلتن مفتعلن مفاعلتن)

در این وزن ۱ غزل به شماره ۱۶۱ سروده شده است:

ای به جبین و هر دو رخ زهره یکی و ماه دو
بر دلم از قد و خدت خانه یکی و ماه دو

(همان: ۳۶۶)

۱۴- بحر منسرح مطوی مکشوف (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

در این وزن دو غزل به شماره غزل ۶، ۱۱۲ سروده شده است:

ای به سر کوی تو مسکن و مأوا مرا
خاک درت خوشتر از جنت اعلی مرا

(همان: ۳۰۷)

غمزه تیز تو را سینه من شد هدف
خون دلم گو بریز اینت مرا صد شرف

(همان: ۳۴۷)

۱۵- بحر منسرح مثنی مطوی منحور (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

در این وزن دو غزل به شماره ۷۳ و ۷۴/ص ۳۳۳ سروده شده است:

جز خم زلفت دلم پناه ندارد
جانب دلها چرا نگاه ندارد

(همان: ۳۳۳)

۱۶- بحر متقارب مثنی محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل)

در این وزن دو غزل به شماره ۱۴۵ و ۱۵۶ سروده شده است:

چه افتادات ای ترک خرگاه من
که بر من نمی تابی ای ماه من

(همان: ۳۶۰)

دلم صید کردی بدان چشم آهو
گرفتار گشتم بدان جعد گیسو

(همان: ۳۶۴)

۱۷- بحر مجتث مثنی مخبون (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

در این وزن ۴ غزل سروده شده است که شماره غزلها عبارتند از: غزل ۶۷/ص ۳۳۱،

۳۶۹/۱۷۰، ۳۵۵/۱۳۳، ۳۵۱/۱۲۳

تعال من بک وجدی که من هوای تو دارم
انیس قلب حزینی و جان برای تو دارم

(همان: ۳۵۱)

مباد دیدۀ روشن چو در نظر تو نباشی

بصر مباد کسی را که در بصر تو نباشی

(همان: ۳۶۹)

۱۸- بحر مجتث مَثَمَن مخبون محذوف (مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعِلن)

در این وزن ۵۲ غزل سروده شده است که شماره غزل‌ها عبارتند از: غزل ۳/ص ۳۰۶، ۳۰۶/۴، ۳۰۷/۷، ۳۰۹/۱۲، ۳۱۱/۱۷، ۳۱۳/۲۳، ۳۱۶/۲۷، ۳۱۶/۲۸، ۳۱۷/۳۲، ۳۱۸/۳۳، ۳۱۸/۳۴، ۳۱۸/۳۵، ۳۲۱/۴۲، ۳۲۳/۴۶، ۳۲۵/۵۱، ۳۲۵/۵۲، ۳۲۵/۵۳، ۳۲۶/۵۴، ۳۲۶/۵۵، ۳۳۱/۶۸، ۳۳۲/۷۰، ۳۳۶/۸۱، ۳۳۶/۸۲، ۳۳۷/۸۳، ۳۳۸/۸۷، ۳۳۹/۸۸، ۳۴۰/۹۱، ۳۴۱/۹۳، ۳۴۲/۹۸، ۳۴۴/۱۰۱، ۳۴۴/۱۰۲، ۳۴۴/۱۰۳، ۳۴۴/۱۰۷، ۳۴۴/۱۰۹، ۳۴۸/۱۱۳، ۳۴۹/۱۱۶، ۳۴۹/۱۱۷، ۳۵۰/۱۲۰، ۳۵۱/۱۲۱، ۳۵۲/۱۲۵، ۳۵۴/۱۲۹، ۳۶۱/۱۴۸، ۳۶۲/۱۴۹، ۳۶۲/۱۵۱، ۳۶۵/۱۵۹، ۳۶۶/۱۶۲، ۳۶۷/۱۶۳، ۳۶۷/۱۶۵، ۳۶۸/۱۶۷، ۳۶۹/۱۶۹، ۳۷۰/۱۷۳، ۳۷۲/۱۷۸.

اگرچه خرده‌شناس و مبصرم به حدیث

به خرده دهنده ره نمی‌برم به حدیث

(همان: ۳۲۳)

صبا نشان غبار دیار یار بی‌پرس

دوای چشم ضرردیده زان غبار بی‌پرس

(همان: ۳۴۲)

ترا که گفت که بر برگ گل کلاله فکن

بنفشه تاب ده و بر رخ چو لاله فکن

(همان: ۳۶۲)

کدام زهد و چه تقوی که خالی از خللی

نکرده‌ام من مسکین به عمر خود عملی

(همان: ۳۷۲)

۱۹- بحر کامل مَثَمَن سالم (متفاعِلن متفاعِلن متفاعِلن متفاعِلن)

در این وزن ۲ غزل سروده شده است (غزل ۶۳ و ۱۶۸).

دل اگر رود ز حریم کوی تو ای صنم به کجا رود؟

عجبا کسی که مقیم شد به بهشت عدن چرا رود

(همان: ۳۲۹)

بت گل‌عذار اگر ز ره کرمی به ما گذری کنی

چه شود به جانب ما اگر به کرشمه‌ای نظری کنی

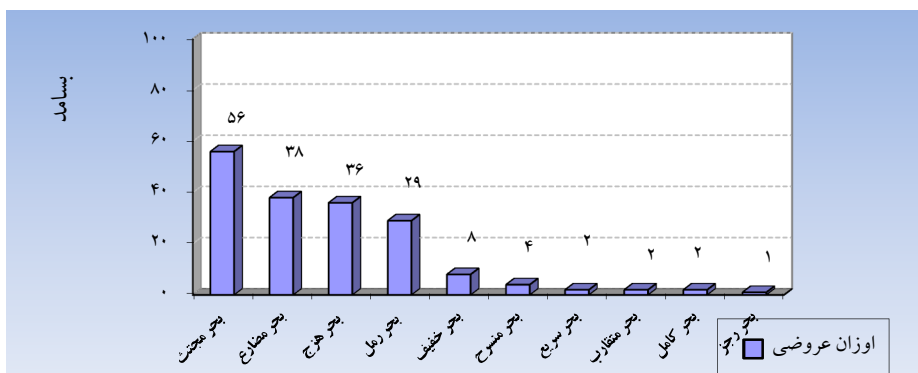
(همان: ۳۶۸)

نگاهی به بحور و اوزان شعری غزلیات ابن حسام، بیانگر این مطلب است که ۲۸ غزل او در قالب مسدس و ۱۵۰ غزل در قالب مثنی سروده شده‌اند.

اوزان و بحور عروضی غزلیات ابن حسام خوسفی

ردیف	وزن	بحر	پسام د	درصد
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم	۵	2/80
۲	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مسدس محذوف	۱۵	8/42
۳	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	هزج مثنی اخب	۱	0/56
۴	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	هزج مثنی اخب مکفوف محذوف	۱۳	7/30
۵	مفعول مفاعیلن فعولن	هزج مسدس اخب مقبوض محذوف	۲	1/13
۶	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	مضارع مثنی اخب	۲	1/13
۷	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف	۳۶	20/22
۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف	۱۲	6/74
۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف	۱	0/56
۱۰	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن	رمل مثنی مخبون محذوف	۱۶	8/98
۱۱	فاعلاتن مفاعیلن فعلن	خفیف مسدس مخبون	۸	4/49
۱۲	مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مطوی مکشوف	۲	1/13
۱۳	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن	رجز مثنی مطوی مخبون	۱	0/56

			مفاعِلن	
1/13	۲	منسرح مطوی مکشوف	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	۱۴
1/13	۲	منسرح مئمن مطوی منحور	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	۱۵
1/13	۲	مقارب مئمن محذوف	فعولن فعولن فعولن فعل	۱۶
2/24	۴	مُجَتَّتْ مئمن مخبون	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن	۱۷
29/22	۵۲	مُجَتَّتْ مئمن مخبون محذوف	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعِلن	۱۸
1/13	۲	کامل مئمن سالم	متفاعِلن متفاعِلن متفاعِلن متفاعِلن	۱۹



نمودار: بسامد اوزان عروضی غزلیات ابن حسام خوشفی

با دقت در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌کنیم ابن حسام در غزلیات از ده بحر عروضی سود جسته‌است که در این میان، به بحر رمل، مجتث، مضارع و هزج توجه و علاقه بیشتری نشان داده، به طوری که ۸۹/۳۲ درصد غزلیات خود را در این بحور سروده‌است. هم‌چنین باید اذعان کرد که شاعر پرکاربردترین و مطبوع‌ترین اوزان شعر فارسی را در سرودن غزل‌هایش استفاده کرده و این امر سبب افزایش اعتبار و اهمیت اشعار او شده‌است.

۳. نتیجه‌گیری

ابن حسام خوشفی در دیوان خود ۱۷۸ غزل دارد که دقیقاً در سرودن غزلیات از ده بحور عروضی سود جسته‌است. از نظر انتخاب اوزان عروضی، خوش ذوق بوده و زیباترین وزن‌های عروضی را برای غزل‌هایش انتخاب کرده‌است. نگاهی به بحور و اوزان شعری غزلیات وی حاکی از این است که ایشان در سرودن این قالب شعری ۲۱/۳۵٪ از بحر مضارع، ۳۱/۴۶٪ از بحر مجتث، ۱۶/۲۸٪ از بحر رمل، ۲۰/۲۱٪ از بحر هزج، ۴/۴۹٪ از بحر خفیف، ۱/۱۳٪ از بحر سریع، ۲/۲۶٪ از بحر منسرح، ۱/۱۳٪ از بحر متقارب، ۰/۵۶٪ از بحر رجز و ۱/۱۳٪ از بحر کامل استفاده کرده‌است. نگاهی به بحور و اوزان شعری غزلیات شاعر، بیانگر این مطلب است که ۲۸ غزل او یعنی ۱۵/۷۳٪ در قالب مسدس و ۱۵۰ غزل یعنی ۸۴/۲۷٪ در قالب مثنی سروده شده‌اند.

از مجموع ۱۷۸ غزل ابن حسام، ۱۲۵ مورد یعنی ۷۰/۲۲٪ دارای ردیف است که به صورت یک و دو، یا چند کلمه‌ای و از جنس فعل، حرف، اسم، صفت و ضمیر است. هم‌چنین ۵۲/۸۱٪ غزلیات وی دارای قافیۀ اسمی، ۳۸/۲۱٪ دارای قوافی صفت، ۵/۶۲٪ دارای قافیۀ فعلی، ۲/۲۴٪ دارای قافیۀ ضمیر، ۰/۵۶٪ دارای قافیه مصدر و ۰/۵۶٪ دارای قافیۀ قیدی هستند.

بر اساس پژوهش در غزلیات شاعر می‌توان گفت که حرف روی (ر) با ۲۹ مورد و حرف روی (ا) با ۲۱ مورد در غزلیات، بیشترین حروف روی را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن از مجموع غزل‌های او ۳۸ مورد یعنی ۲۱/۳٪ دارای حرف وصل است.

منابع

- آیتی، محمد حسین، (۱۳۷۱)، *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- پادشاه، محمد، (۱۳۶۳)، *آندراج*، تهران: خیام.
- خوسفی، محمد بن حسام، (۱۳۶۶)، *دیوان*، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک، چاپ اول، مشهد: انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
- سعادت، اسماعیل، (۱۳۸۴)، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ۶ جلد، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، *موسیقی شعر*، تهران: آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، چاپ دوم. تهران: اختران.
- شمس قیس رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس، (۱۳۶۰)، *المعجم فی معاییر الاشعار العجم*، تصحیح علامه قزوینی و مقابله مدرس رضوی، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، *آشنایی با عروض و قافیه*، چاپ یازدهم، تهران: فردوسی.
- صفا، ذبیح‌اله، (۱۳۳۹)، *گنج سخن*، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌اله، (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ۵ جلد، چاپ دهم، تهران: فردوسی.
- متحدین، ژاله، (۱۳۵۴)، «تکرار ارزش صوتی و بلاغی آن»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه فردوسی، شماره ۴۳، صص ۵۲۰-۴۸۳.
- ملاح، حسینعلی، (۱۳۸۵)، *پیوند موسیقی و شعر*، تهران: فضا.
- واعظ کاشفی سبزواری؛ کمال‌الدین، (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، ۹۳۹ق، ویراسته و گزارده، میرجلال‌الدین کزازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۶)، *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*، چاپ ششم، تهران: سمت.

وطواط، رشیدالدین عمر کاتب بلخی، (۱۳۶۲)، *حدایق السحر فی دقایق الشعر*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.

ولک، وارن؛ رنه، آستن، (۱۳۷۳)، *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیا موحد و پوران مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

همایی، جلال الدین، (۱۳۷۳)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: نشر هما.